



نظام جمهوری اسلامی به زنان احترام می‌گذارد

محمد محمدی گلپایگانی، رئیس دفتر رهبری در آیین بهره‌برداری از طرح‌های ارتقای عدالت آموزشی بنیاد مستضعفان گفت: «امروز به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی در کشورمان زندگی می‌کنیم و می‌بینیم که در این نظام چقدر به زنان احترام می‌کنند و می‌بینیم آنهایی که در فضای مجازی داد می‌زنند در غرب چه می‌کنند و می‌دانیم که زنان در غرب چیزی بیش از ابزار نیستند.» وی افزود: «این در حالی است که زنان با رعایت حجاب در بالاترین رتبه در رشته‌های علمی به‌ویژه در رشته‌های پزشکی قرار دارند و زنان به برکت این نظام به جاهای مهم و مقامات بالاتر رسیدند.» وی ادامه داد: «امروز تمام سعی دشمن بر این است که به این نظام لطمه بزند و آرزوی به‌گور برده دشمن این است که به این نظام آسیب برساند و در فضای مجازی مدام دروغ و باطل می‌گویند و می‌بینیم که در غزه و فلسطین چه کار می‌کنند.»



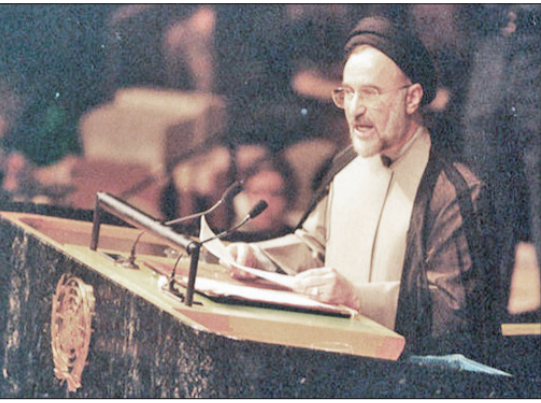
تصمیم ایران برای انسداد مرز با افغانستان

امیر سرتیپ نوذر نعمتی در گفت‌وگویی با بیان این‌که «ماموریت انسداد مرز با کشور افغانستان به نیروی زمینی ارتش واگذار شده است»، تصریح کرد: «با کمک سازمان‌های مسئول این کار و همراهی نزدیک با ستاد کل نیروهای مسلح، ستاد ارتش و سازمان جغرافیایی کار را پیش می‌بریم و ضمن برگزاری جلسات متعدد، همکاری‌های لازم را در این زمینه داریم. بر این اساس هم‌زمان کار را آغاز کردیم و با به‌کارگیری چهار گروه مهندسی رزمی، ۱۴ یگان مهندسی تابع یگان‌ها علاوه بر به‌کار گرفتن چند شرکت توانمند در این حوزه از مجموعه کشور مشغول انسداد مرز هستیم. از قسمت شمالی مرز افغانستان کار انسداد مرز را آغاز کردیم.» وی یادآور شد: «برای این منظور کارهای زیربنایی انجام شده و بیش از ۱۰ کیلومتر دیوار در مرز کار گذاشته شده است؛ همچنین ۵۰ کیلومتر از مرز آماده دیوارگذاری است و در این راستا نزدیک به ۲۰ کارگاه در طول مرز اقدامات زیرساختی و امور نصب دیوار را پیش می‌برند.»



نظارت بر موضوع ممنوع‌الخروجی افراد

محمد محمدی، دادستان کل کشور با اشاره به تأکیدات رئیس قوه قضائیه ناظر بر ضرورت ساماندهی فوری مقوله ممنوع‌الخروجی‌ها اظهار کرد: «تأکیدات لازم را انجام داده‌ایم که نظارت‌های لازم انجام شود تا فردی به‌صورت بلاوجه در حالت ممنوع‌الخروج باقی نماند و به محض برطرف شدن مشکل، ممنوع‌الخروجی وی برداشته شود. البته به این نکته هم باید توجه داشته باشیم که همه احکام ممنوع‌الخروجی از ناحیه قوه قضائیه صادر نمی‌شود، بلکه این احکام از ناحیه اجرائیات ثبت، بانک‌ها، مالیات‌ها... نیز صادر می‌شوند. پیگیری‌ها و اقدامات در خصوص ساماندهی مقوله ممنوع‌الخروجی‌ها، به‌صورت «بهر روز» در دادستانی کل در حال انجام است.» وی در ادامه با اشاره به حادثه طیس گفت: «پیگیری‌های دادستانی کل کشور در خصوص حادثه معدن طیس که از نخستین ساعات وقوع این اتفاق آغاز شد، همچنان با جدیت ادامه دارد.»



تاریخ
سیاست

بعد از کودتا البته توجیه علی امینی به‌عنوان رئیس هیئت نمایندگی ایران که در نطق او در مجلس انعکاس یافت این بود که «اداره امور جهان در دست فرشتگان عالم بالا نیست بلکه کسانی با تمام اغراض و منافع و نظریاتی که دارند جهان را اداره می‌کنند و بیش از مسائل اخلاقی به منافع بازرگانی می‌اندیشند و در کمال صراحت اگر چه مخالف میل ما باشد مانع از هر تجارتی می‌شوند که به نحوی از انحا به منافع آنها لطمه بزند.»

شکی نیست که امینی می‌خواست کوتاه آمدن را توجیه کند اما مصدق هم برخلاف تصور رایج در مقابل آمریکا یک‌دندگی نکرد و نشانه‌های مثبت فرستاد و رفتار او در قبال آمریکا مانند انگلستان توأم با بدبینی نبود.

این نوشته هم حول همین محور است که آمریکای لیبرال نه‌تنها کاری نکرد تا دولت لیبرال مصدق موفق شود بلکه به عکس برای ساقط کردن آن کوشید و این فرصت تاریخی را از ایران ستاند.

آیا به خاطر آن بود که آمریکا واقعاً بیم داشت ایران به دست کمونیست‌ها بیفتد یا ارزش‌های لیبرال در بیرون جامعه خودشان چندان اهمیت ندارد که نزد خودشان وگرنه از مصدق لیبرال‌تر آخر که؟!

به هر رو وقتی با هم‌دستی انگلیسی‌ها مصدق را ساقط کردند، یک سال و چند ماه بعد و روز جمعه ۵ آذر ۱۳۳۳ طرح روی جلد مجله «تهران‌صور» علی‌امینی وزیر وقت دارایی و رئیس کنسرسیوم را نشان می‌دهد که با انکا به وامی که از آمریکا دریافت کرده قصد دارد بودجه را متعادل کند چون کفه بودجه ۱۷۰۰۰۰۰۰۰۰ تومانی از درآمدها سنگین‌تر است. (مرداشان از بودجه پیش‌بینی دخل و خرج و از درآمد ارقام قابل تحقق بود).

قضیه روشن است: از هر کمکی به مصدق لیبرال و ملی مضایقه کردند ولی با جان‌شیمان او که نسبتی با اندیشه‌های لیبرالی نداشتند تا تسامح برخورد کردند. شوری هم البته با دهه ۱۱ ثنی طلا به ایران همین کار را کرد و تا مصدق بود باز پس نداد و بعد از کودتا رفتار متفاوتی نشان داد منتها دولت شوری هیچ‌جا خود را به اصول لیبرالی متعهد نشان نداده بود.

دولت ملی بازرگان

۲۵ سال بعد و در پی سقوط سلطنت مهم‌ترین دغدغه آمریکا این بود که نیروهای چپ بر سر کار نیایند و اصطلاحاً ایران به آغوش کمونیست‌ها درفتند. نخست‌وزیری بازرگان که نسبتی با این اندیشه نداشت علی‌القاعده باید موجب نگاه مثبت ایالات متحده به حکومت تازه می‌شد اما در عمل به جای تقویت دولت بازرگان در تضعیف و سقوط آن کوشیدند. نگاه کنیم بازرگان چه کرد و آنها چه واکنشی نشان دادند؟ دولت موقت دو بار با اشغال سفارت آمریکا در تهران و کنسول‌گری در تبریز مقابله کرد و در مهرماه هیئت ایرانی به سرپرستی مهندس بازرگان و عضویت دکتر یزدی، دکتر چمران و محمدمجتهد شبستری در الجزایر با زینگینو برژه ژنیسکی (در ایران: برژینسکی) دیدار و مذاکره کردند و قرار نبود به شاه پناه بدهند. اما آن‌گونه که گابریل گارسیا مارکز در یکی از «یادداشت‌های هرساله» نوشته شاه را با

چرا آمریکا دستِ دوستیِ دولت‌های ملی ایران را نمی‌فشارد؟

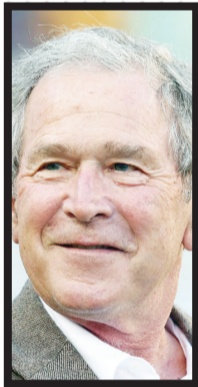
کار آمده و متناسب و متعاقب آن پیام دوستی به جهان و مشخصاً ایالات متحده فرستاده شده، انگار دستی در آمریکا به قصد رد و حتی قطع و شکستن آن به کار افتاده و اگر با مسعود پزشک‌های نیز چنین کنند او پنجمین رئیس دولت طی ۷۰ سال خواهد بود که قصد تنش‌زدایی با ایالات متحده را داشته/دارد، ولی مطابق رویه قبلی در ۴ فقره قبل کاری کنند که این اتفاق نیفتد و عملاً تنور دیگران را گرم کنند.

یادآوری ۴ دولت گذشته که با حُسن‌نیت نسبی با آمریکایی‌ها وارد گفت‌وگو شدند اما پاسخ در خور نیافتند این ذهنیت منفی را ایجاد می‌کند که آمریکای لیبرال اساساً دوست ندارد در ایران دولت لیبرال بر سر کار باشد و اقتدارگرایی را ترجیح می‌دهند. تازه وقتی که کمونیسم دولتی برپا و به‌عنوان دشمن مطرح بود چنین بودند چه رسد به بعد از فروپاشی کمونیسم روسی در اتحاد شوروی که به دنبال جایگزین کردن دشمن تازه در غیاب اتحاد شوروی بودند یا هستند تا معادلات از پیش طراحی شده را با قالب جدید منطبق کنند.

این گزاره اگرچه در ظاهر امر تناقض‌آمیز جلوه می‌کند ولی واقعیت‌های تاریخی نشان می‌دهد چنین است و چون در زمان‌ها و دوره‌های مختلف تکرار و هر بار به تضعیف دولت ملی یا لیبرال منجر شده نمی‌تواند تصادفی و موردی باشد و از یک روند حکایت می‌کند.

دولت ملی مصدق

۱ ایرانیان تا قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هرگز به اندازه روسیه و انگلستان به ایالات متحده بدبین نبودند. دکتر مصدق نیز با همین ذهنیت انتظار داشت در میانه اختلافات ایران با انگلستان بر سر ملی شدن نفت، آمریکا نقش میانجی را ایفا کند نه متحد بریتانیا را. بی‌شک بزرگ‌ترین بدبختی مصدق تغییر آرایش جهانی با مرگ استالین در اتحاد شوروی و تغییر دولت در بریتانیا و نیز رئیس‌جمهوری در آمریکا بود.



با اینکه رئیس‌جمهوری اصلاح‌طلب جهان نخستین سران جهان بود که با قربانیان ۱۱ سپتامبر ابراز هم‌دردی کرد اما تنها چند ماه بعد از آن جرج بوش، ایران را در محور شرارت و کنار عراق و کره شمالی قرار داد و پیگیر پرونده هسته‌ای شد و صحبت از حمله نظامی هم درگرفت



مهررداد خدیری

معاون سردبیر

اگرچه انتظار می‌رود رئیس‌جمهور پزشک‌های حضور متفاوتی به نسبت سلف خود در نیویورک داشته باشد اما باید در نظر داشت که نزدیکی به انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و تأثیر غیرقابل انکار لابی یهودی بر آرای هر دو نامزد و نیز اتفاقات اخیر در خاورمیانه در آستانه اولین سالگرد طوفان الاقصی (هفتم اکتبر/ نیمه مهر) مجال اندکی باقی گذاشته است.

البته اینها تنها موانع پاسخ آمریکا و غرب به پیام‌های مثبت تهران بعد از روی کار آمدن مسعود پزشک‌های نیست. تجربه سیدمحمد خانمی و حسن روحانی هم آنان را با این واقعیت آشنا تر ساخته که رئیس‌جمهوری در ایران ميسوسط‌اليد نیست هر چند تفاوت رویکردها در هر دوره نشان می‌دهد مسلوب‌الاختیار هم نیست.

مطابق برنامه رئیس‌جمهوری ایران عصر دیروز (دوشنبه) در نشست سران میثاق آینده سخن‌رانی کرده و امروز (سه‌شنبه) هم در مجمع عمومی نطق خواهد کرد. این یادداشت اما قبل از انجام هر دو نوشته می‌شود و طبعاً نسبت به آنها ذهنیتی ندارد ولی به نظر می‌رسد رئیس‌جمهوری جدید ایران در اولین سفر به نیویورک در این جایگاه بیش از سیاسیون و مقامات، نخبگان و سرمایه‌گذاران را هدف یا مخاطب خود قرار دهد و در همین راستا برخی پیش‌بینی کرده‌اند یکی از برنامه‌ها افتتاح دفتر کنسولی باشد و اگر این اتفاق رخ دهد به‌عنوان یک دستاورد اقتصادی و تجاری قابل ارائه است. نکته مورد نظر این یادداشت اما موضوع مهم‌تری است و آن هم اینکه هر بار در ایران دولتی اصطلاحاً ملی یا در تعریف مصطلح لیبرال یا با نگاه مثبت به غرب بر سر

نگاه
اصلاح
طلب

سفری برای گشایش

درباره حضور هیئت ایرانی در نیویورک

و نقشی که در شکستن بنیان‌های منازعه علیه ایران می‌تواند بازی کند



عباس موسایی

عضو دفتر سیاسی حزب توسعه ملی

درحالی‌که استثنائگرایان انسدادباور، حواشی نامربوط به مسئله سیاست خارجی را پیرامون اولین سفر رئیس‌جمهور پزشک‌های، برجسته و بازنمایی می‌کنند که از بد حادثه (برای ایشان!) در همین

پیش برده شده است، اکنون که این پروژه در داخل و پس از برگزاری انتخاباتی متفاوت، در داخل به چالش کشیده شده است؛ این انتظار شکل و شمایل جدید پیدا کرده و اذهان عمومی را نسبت به پیشروی سیاست عادی‌سازانه در سیاست خارجی، در وضعیتی امیدوار قرار داده است. گام بعدی دولت «مصلحه ملی»، پیگیری سیاست پویا و دیپلماسی فعال برای شکستن اجماع جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران است. از این رهگذر می‌توان انتظار داشت تا سیاستمداران همراه رئیس‌جمهور، با بهره‌گیری از همه امکانات و ظرفیت‌های عرصه جهانی، منطقه‌ای و داخلی، مقدمه‌ای را که بر آن اساس، شکاف ملت و حاکمیت توسط دشمنان، پیش برده می‌شد، متزلزل سازند.

محور قرار دادن ایران و منافع ملی ایران، در دولتی که با شعار «برای ایران»، مورد اعتماد اکثریت مشارکت‌کنندگان قرار گرفته است، دیپلماسی گشایشگرایانه‌ای متفاوت از گذشته را روی میز رئیس‌جمهور قرار داده است. از این‌رو، می‌طلبد تا با عبور از برخی ملاحظات انسدادباورانه، با محوریت منافع ملی ایران، آرایش سیاسی جدیدی در عرصه بین‌المللی برای استیفای منافع ملی ایران رقم زده شود.

شکستن تصویری کاذب در عرصه بین‌المللی که در آن ایران در منازعات بین‌المللی، در یک طرف ماجرا قرار دارد، طرح مسئله